

مصاحبه



دکتر پیل پیلاز  
استاد دانشگاه جرج تاون آمریکا



دکتر پیل پیلاز: احتمال وقوع حوادث خارج از کنترل یا اشتباه محاسباتی

منجر به جنگ آمریکا و چین خواهد شد.

به طور گسترده‌ای [در افکار عمومی] ضعیف‌تر در نظر گرفته می‌شود.

۲. به نظر می‌رسد ائتلاف‌ها و روابط جدید در جهان با محوریت چین در حال شکل‌گیری است و حتی برخی متحدان آمریکا، تلاش می‌کنند تا روابط خود را با چین تقویت نمایند. فکر می‌کنید که رویکرد سیاست‌گذاران و اندیشکده‌های آمریکا در قبال این موضوع چیست؟

دیدگاه غالب در واشنگتن، اتخاذ مواضع دشوار در قبال چین است. دولت بایدن بسیاری از سیاست‌های دولت ترامپ در قبال چین، از جمله ادامه تعرفه‌ها را ادامه داده است. اپوزیسیون جمهوری خواه، عموماً از چنین دیدگاه رادیکالی حمایت می‌کنند و بنابراین، گروه‌های سیاسی بسیار کمی در ایالات متحده وجود دارد که بتواند سیاست‌ها در قبال چین را به طرز محسوسی تغییر دهد. برخی از تحلیلگران (از جمله در اندیشکده‌ها)، معتقدند که این رویکرد اشتباه است، زیرا هم خطر تشدید درگیری را افزایش می‌دهد و هم به این دلیل که رویکرد تندرو مانع همکاری لازم با چین در موضوعاتی مانند تغییرات آب و هوایی می‌شود؛ اما دیدگاه‌های این طیف از تحلیلگران تاکنون حمایت کافی برای تغییر سیاست [آمریکا در قبال چین را] به دست نیاورده است.

۳. بر اساس برخی تئوری‌های تاریخی از جمله «تله توسیدید»، احتمال وقوع جنگ میان قدرت نوظهور (چین) و قدرت مستقر (ایالات متحده آمریکا) وجود دارد؛ تحلیل شما در این خصوص چیست؟

درواقع، خطر شروع جنگ علنی میان ایالات متحده و چین وجود دارد، هر چند که هیچ‌یک از این دو کشور، خواهان چنین جنگی نیستند. من معتقدم

پل پیلار در مصاحبه‌ای که با مرکز مطالعات راهبردی آمریکا داشت، با بیان اینکه تقریباً تمام طیف‌های سیاسی تاثیرگذار در حاکمیت آمریکا خواهان اتخاذ مواضع سخت در قبال چین هستند، پیش‌بینی کرد احتمال وقوع جنگ بین آمریکا و چین در اثر یک حادثه تصادفی یا اشتباه محاسباتی یکی از طرفین وجود دارد. جنگی که به احتمال زیاد آینده نظم جهانی و موقعیت قدرت‌های بزرگ را ترسیم خواهد کرد. همین موضوع مصاحبه با استاد دانشگاه «جرج تاون» و از کارشناسان ارشد اندیشکده بروکینگز- مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از جنگ اوکراین، بحث‌هایی پیرامون آغاز نظمی جدید در جهان شکل گرفت و با تداوم این جنگ و ناتوانی غرب در مهار روسیه، این فرضیه تقویت شد؛ نظر جنابعالی در این خصوص چیست؟

من اعتقادی به این امر ندارم که جنگ اوکراین، پیامدهای تغییر دهنده نظم جهانی را مانند جنگ‌های جهانی قرن بیستم، به همراه داشته باشد. در واقع، همه مسائل اساسی مربوط به روابط غرب با روسیه که اکنون با آن‌ها مواجه هستیم- با شروع این جنگ آغاز نشدند. البته صرف نظر از اینکه این جنگ، دقیقاً چگونه به پایان می‌رسد، یک نکته بسیار حائز اهمیت دارد که حتی همیشه از ناتوانی غرب در مهار روسیه، بیشتر است و آن هم اینکه ارتش روسیه، آن قدر که تا پیش از شروع این جنگ تصور می‌شد، توانمند نیست. البته تسلیحات هسته‌ای و منابع نفتی روسیه، تصریح می‌کند که این کشور، یک قدرت بزرگ است اما روسیه از این جنگ، ضعیف‌تر از قبل بیرون خواهد آمد و



که خطر موجود نسبت به آنچه در ایده «تله توسیدید» در مورد به چالش کشیده شدن یک قدرت رویه‌زوال توسط قدرت در حال رشد کمتر است، اما در مقابل و در اثر یک تصادف ساده یا اشتباه محاسباتی، اوضاع می‌تواند برعکس شود و حوادث خارج از کنترلی رخ دهد.

#### ۴. فکر می‌کنید روند سیاست‌گذاری در آمریکا و اشتباهات محاسباتی سیاستمداران این کشور، موجب افول قدرت آمریکا شده است؟

بدون تردید در طی سال‌ها، محاسبات اشتباه بسیاری از سوی سیاستمداران ایالات متحده صورت گرفته، اما آن چیزی که می‌توان به‌عنوان کاهش قدرت ایالات متحده توصیف کرد، ناشی از عوامل اساسی‌تر درازمدت است که حتی عاقل‌ترین سیاستمداران نیز نمی‌توانند از آن‌ها اجتناب کنند. ایالات متحده در پایان جنگ جهانی دوم در اوج قدرت بود که توزیع نامتناسب قدرت در دهه‌های بعدی را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. تبدیل شدن چین به یک قدرت اقتصادی و نظامی امروز، بزرگ‌ترین عامل درازمدتی محسوب می‌شود که در این فرآیند دخیل است.

#### ۵. جنابعالی چه سناریوهایی را برای آینده نظم جهان متصور هستید؟

هیچ قدرت هژمون جهانی وجود نخواهد داشت که به‌طور محسوسی قدرتمندتر از بقیه کشورها باشد. رقابت‌های متعددی میان چندین کشور وجود خواهد داشت که می‌توانند به‌عنوان قدرت‌های بزرگ، واجد شرایط باشند. در روابط میان ایالات متحده، روسیه و چین، رگه‌هایی از جنگ سرد قدیمی، تداوم خواهد یافت اما آن نوع خط‌منازعه جهانی مانند جنگ سرد اولیه ایالات متحده و شوروی، وجود نخواهد داشت.